

# علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه داری

شماره ۶۵ / مرداد ۱۴۰۱

////// نیشکر هفت تپه در یک نگاه / فریده ثابتی

وضعیت کارگران و جنبش کارگری چین در نیمه اول سال ۲۰۲۲

////// ابراهیم پاینده

تبعیض ستیزی دموکراتیک یا خروش ضد سرمایه

////// داری رهائی زن / مزدک کوهکن

اعتصاب «داربست بندها» موفقیت

////// ها، درس ها، خیزهای نو

نامه ای از یک دوست، همراه با

////// نقد

اعتصابات و اعتراضات دو

//// هفته اخیر کارگران

////// مطالبات روز جنبش ما

//////



# نیشکر هفت تپه در یک نگاه

////////////////////

فریده ثابتی / خرداد ۱۴۰۱



## طرح نیشکر هفت تپه: ۱۳۳۵

شروع به کار: ۱۳۳۸ با ۳۰۰/۰۰۰ هکتار زمین برای بهره برداری در شوش، دهقانان شوش مجبور به فروش زمین خود با قیمتی که شرکت تعیین کرده بودند، کارگران اولیه: دهقانان بی زمین شده شوش و بقیه در کل از استان خوزستان؛

## نی برها یا کارگران فصلی: از لرستان؛

تبدیل طرح به شرکت: ۱۳۵۴، در دهه ۱۳۵۰ تعداد کارگران و کارکنان هفت تپه به ۷۰۰۰ تن رسیده بود، تقسیم بندی نیروی کار: کارگر [رسمی، قراردادی، پیمانی]، کارمند، مهندسین ایرانی و گاه خارجی؛ ظرفیت اسمی در سال: ۱۰۰/۰۰۰ تن و بیش تر شکر؛ خریدار اصلی شکر تولیدی تا سال ۱۳۷۸: وزارت اقتصاد برای توزیع؛

## ● ۱۳۷۸:

- معافیت های گمرکی بسیار بالا برای واردات شکر توسط وابستگان رژیم و پایان خرید شکر هفت تپه توسط وزارت اقتصاد؛
- پر شدن انبارهای شرکت از شکر تولیدی که از شکر وارداتی گران تر تولید می شد و شروع افول و ورشکستگی شرکت نیشکر هفت تپه؛
- کلاه برداری شرکت تعاونی مصرف کارکنان شهر تهران با خرید ده میلیارد تومان شکر از شرکت و

پرداخت تنها سه میلیارد به دلیل ورشکستگی؛

- بالا رفتن بدهی شرکت با طرح باز خرید بیمه تامین اجتماعی ۲۰۰۰ کارگر فصلی، جلوگیری از بازنشستگی افراد به دلیل بدهی به تامین اجتماعی؛

## ● دهه ی ۱۳۸۰:

- بالا رفتن سیر بدهی و زیان دهی

- آغاز عقب افتادن پرداخت دستمزدها و تداوم آن، ۱۳۸۳

- شایعه فروش بخشی از زمین و دارائی های شرکت، ۱۳۸۷

- اواخر دهه ۸۰ مطرح کردن نوسازی خطوط تولید و رفع زیان دهی از طریق فروش شرکت به بخش خصوصی

## ● ۱۳۸۵:

- کاهش تعرفه های واردات شکر به حدود صفر برای وارد کنندگان شکر که از اعوان و انصار خود رژیم بودند و به دنبالش کاهش شدید تولید در شرکت در این سال ۲,۵ میلیون تن شکر وارد شد در حالی که کل نیاز داخلی ۲,۲ میلیون تن بود، در حقیقت اصلا محصولات شکر داخلی در نظر گرفته نشده بود. این شکر چون با تعرفه ی بسیار پایین وارد می شد از شکر داخلی ارزان تر عرضه می شد و در نتیجه شکر گران تر تولید داخل کشور به فروش نمی رفت.

- بررسی وضعیت تعرفه های شکر خام و سفید: در حالی که تعرفه های واردات شکر سفید و شکر خام در نیمه نخست سال ۱۳۸۴ به ترتیب حدود ۱۵۰ و ۱۳۰ درصد بوده از آبان تا بهمن همان سال به ۵۰ و ۳۰ درصد تنزل یافته است. روند نزولی تعرفه ها در ماههای بعد نیز تداوم داشته، به طوریکه از بهمن ماه ۱۳۸۴ تا فروردین ماه ۱۳۸۵ به ۲۰ و ۵ درصد و از فروردین ماه ۱۳۸۵ تا آذر ماه ۱۳۸۶ به ۱۰ و ۴ درصد کاهش یافته است که کمترین مقدار تعرفه طی دوره مورد بررسی می باشد. مجله اقتصاد شماره ۱۱ و ۱۲ بهمن و اسفند ۱۳۹۲ "نگاه به بازار شکر در ایران طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۹۱" از آن زمان مساله سلطان شکر و مافیای شکر همواره در ایران مطرح بوده اما همواره مسئولین از جمله میرکازمی وزیر بازرگانی دولت احمدی نژاد از پاسخ به این که چه کسانی از این امتیاز استفاده کرده اند طفره رفته اند. با وجود این اسامی ای چون آخوند مکارم شیرازی، مدلل و محمد رضا یوسفی که تنها یوسفی که ارتباط نسبی یا سببی با قشر روحانیت حاکم نداشت کارش به دادگاه کشیده شد، مطرح بود.

● ۱۳۸۶ :

در این سال کارگران مکرراً با انجام اعتراضات، راهپیمایی در سطح شهر و بستن جاده اندیمشک اهواز خواسته های خود را به میان مردم بردند.

● ۱۳۸۷ :

انتقال شرکت از وزارت جهاد به وزارت صنعت و معدن و قرار گرفتن تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع، افزوده شدن هزینه آب و برق به شرکت و در نتیجه بالا تر رفتن بدهی ها؛  
- ارائه شرکت برای فروش به بخش خصوصی؛

● ۱۳۹۴ :

فروش کل شرکت به بخش خصوصی  
- آغاز اعتراضات و اعتصابات کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به خصوصی سازی و دستمزد عقب مانده نه ماهه

### کرونولوژی اعتصابات هفت تپه:

● اعتراضات بین سال های ۱۳۸۴ - ۱۳۸۵ :

- نوع حرکت: راهپیمایی در شهر، اعتصاب نشسته در کارخانه، تحصن جلوی ادارات دولتی چون استانداری، فرمانداری، بستن جاده اندیمشک به اهواز
- دلیل حرکت اعتراضی: دستمزدهای عقب مانده سه ماه متوالی
- شعارها: ما کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم
- مطالبات: پرداخت دستمزدهای عقب مانده، پایان دادن به پرونده سازی های دروغین و پایان احضار فعالان کارگری به دادگاه، برکناری مدیر عامل و اعضای هیات مدیره شرکت، برکناری رئیس حفاظت و ایجاد سندیکای کارگران

● اعتراضات سال ۱۳۸۶ :

- ۲۵۰۰ کارگر در نامه ای به مدیر کل اداره کار خوزستان خواهان بازگشایی سندیکای شرکت که در سال ۱۳۵۳ تاسیس شده بود، شدند. باید از کارگران پرسید که آیا برای شروع این درخواست، گذشته از این که کارگران برای دفاع از منافع خود و ایجاد تشکل نیاز به درخواست و اجازه از سرمایه دار یا دولت سرمایه دار ندارند؛ زحمت مطالعه در باره ی سندیکا/ اتحادیه، نقش و وظایف آن، تاریخچه و کارکرد در کشورهای

سرمایه داری را به خود داده اند یا خیر. در جواب شورای امنیت استان خوزستان همان گونه که انتظار می رفت این خواست را امنیتی تلقی کرد و امضا کنندگان بازداشت شدند.

- ۵۰۰۰ کارگر در تاریخ ۱۶ خرداد در اعتراض به واردات بی رویه شکر، وجود مافیای شکر و عدم پرداخت دستمزدهای چند ماهه دست به اعتصاب زدند. در این حرکت کارگران بخش های اداری، بهره وری و فروش به احتمال قریب به این که خود را کارگر نمی دانستند با آن ها همراه نشدند. بعد از شش روز با دریافت دو ماه دستمزد معوقه به اعتصاب پایان دادند و با یک مهلت ده روزه به دولت اعلام کردند اگر خواسته های شان برآورده نشود در مقابل وزارت صنایع، خانه کارگر و حتی مجلس تجمع خواهند کرد. بعد تر در شهریور همین سال نامه ای به ای.ال.او. در رابطه با عدم رسیدگی به خواسته های شان نوشتند. در شش ماه اول سال ۸۶ در مجموع پنج بار اعتصاب و تحصن داشتند اما همواره با وعده و وعید مسئولان مواجه شدند و به آن تن دادند. متأسفانه این توهم به مسئولین و به سندیکالیسم، به ویژه به سازمان جهانی کار ای.ال.او. که اسمش فریاد می زند که سازمان دفاع از کارگران نیست بلکه سازمان کار است را همواره در اعتراضات کارگری ایران دیده و می بینیم. قابل ذکر است که نامه هایی که گاه به اسم این یا آن سندیکا/ اتحادیه ی کشورهای پیشرفته سرمایه داری می بینیم با تقلا و تقاضای فعالین ایرانی خارج از ایران نوشته می شود و پشتوانه عملی ندارد. حتی در موارد زیادی که پای یک اکسیون یا راهپیمایی اعتراضی را امضا می کنند یا حتی بنام آن ها نوشته می شود در اکسیون یا راهپیمایی شرکت نمی کنند یا فقط یک نفر برای مدت کوتاهی خود را رونمایی می کند، همچنین اعلامیه را بین اعضای خود پخش یا نشر نمی دهند و تنها برای ایرانیان نوشته می شود. البته که بخشی از نیروهای چپ غیر اتحادیه ای همواره حداقل در شهر ما در تظاهرات و اکسیون ها شرکت و اعلام همبستگی می کنند.

### ● اعتراضات سال ۱۳۸۷:

اعلام موجودیت مجدد سندیکا در اردیبهشت ماه بدون گرفتن مجوز از طریق رای گیری بین ۱۰۰۰ کارگر هفت تپه و بازگشایی آن. تعیین هیات مدیره جدید برای سندیکا شامل علی نجاتی، خلیل احمدی، فریدون نیکفر، قربان علی پور و محمد حیدری. عکس العمل رژیم دستگیری ۴ عضو هیات مدیره به اتهام تبلیغ علیه نظام و محاکمه آن ها و تعیین یک سال حبس و سه سال محرومیت از فعالیت های صنفی بود. بعد از ۶ تا ۸ ماه زندان احکام آن ها به مدت ۵ سال تعلیق شد.

### ● سال ۱۳۸۸:

در ۲۱ بهمن این سال سندیکای هفت تپه با سه تشکل دیگر منشور مطالباتی حداقلی کارگران را به مناسبت سی و یکمین سالگرد قیام بهمن ۵۷ منتشر کردند.

## ● اعتراضات در دهه ی ۱۳۹۰ :

طرح مساله نوسازی خطوط تولید و رونق دوباره در نیمه ی اول این دهه بیشتر به توهم کارگران دامن زد به همین سبب صبر پیشه کردند و این صبر چند سال به طول انجامید تا سال ۱۳۹۴ که فروش شرکت به بخش خصوصی به انجام رسید. این دهه شاهد نقاط پیشرفت و نقاط پس رفت بود که به خوبی در شعارها، تراکت ها و صحبت های کارگران مشاهده می شود. در این دهه از شوراهای کارگری تا اتحادیه مستقل، از زندان و شکنجه تا مصاحبه های اجباری، تهدید و ندیده گرفتن را شاهدیم.

- ۱۳۹۴: فروش شرکت؛ فروش کل شرکت به ۲۹۱ میلیارد تومان به صورت ۶ میلیارد تومان نقد و بقیه بصورت اقساط، در حقیقت فروش شرکت به همان ۶ میلیارد تومان. زمین در خرید و فروش شرکت ها با هدف آتی زمین بازی نقش مهمی بازی می کند. هر هکتار زمین شرکت موقع فروش ۱۰۰ میلیون تومان ارزش داشت (تابناک ۲۹ آبان ۱۳۹۷) که مجموعش ۳ هزار میلیارد تومان می شد (۳۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰). پوری حسینی رئیس سازمان خصوصی سازی از معامله ابراز رضایت و از آن دفاع کرد. خریداران، امید اسدیگی و مهرداد رستمی چگنی دو جوان ۲۸ و ۳۱ ساله بودند.

- آغاز اعتراضات و اعتصابات کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به خصوصی سازی و دستمزد عقب مانده نه ماهه. دست مزدهای عقب مانده هیچ گاه به صفر نرسید و هر بار اعتراضات و اعتصابات کارگری را با پرداخت یک یا دو ماه دستمزد عقب مانده و وعده های سر خرمن آتی خاموش کردند که متاسفانه با خود به جای توضیح اقتصادی سیاسی آن سیل تریکات را به همراه داشت. این امر تنها شامل کارگران هفت تپه نبود بلکه برای همه کارگران در صنایع و بخش های مختلف اقتصادی درگیر، کارکرد داشت و متاسفانه کارگران هر بار بدون توجه به نقش اقتصادی این تاخیر پرداخت، و ترفند های سرمایه در پایان دادن به اعتراضات و مانع تراشیدن برای ارتقا آن، دوباره از این سوراخ گزیده می شدند.

۱۳۹۶: بالاخره انتظار به پایان رسید و کارگران از بهبود اوضاع توسط بخش خصوصی ناامید شدند. در مرداد ماه کمک مالی شرکت به تیم فوتبال استقلال خوزستان و سپس شایعه خرید باشگاه در حالی که کارگران سه ماه بود که هیچ پولی به حساب شان واریز نشده بود مساله ساز شد. علاوه بر آن در سالگرد فروش شرکت به بخش خصوصی اعلام سرمایه گذاری شرکت در پروژه های رب گوجه، آسفالت، ایجاد هزارهکتار تاکستان و احداث کارخانه الکل و غیره در حالی که گفته می شد پول برای پرداخت دستمزدها وجود ندارد کارگران را بیش تر تحت فشار قرار داد، در همین ماه کارگرانی دستگیر و با حمایت بقیه آزاد شدند اما در پاسخ به تداوم بگیر و ببند و احضار ۴۰ تن از کارگران فعال به دادگستری شوش و عدم پرداخت دست مزد ماه های بهمین و اسفند ۱۳۹۴ - اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۶ و پاداش کارگری، سندیکا بیانیه ای منتشر کرد. کارگران دوباره به خاطر عدم پرداخت طولانی مدت دستمزدها دست به اعتراض

زدند. در ۱۵ مرداد دوباره با پرداخت یک ماه دست مزد عقب مانده اعتصاب را به شکست کشاندند. با توجه به وضعیت بد مالی کارگران شاید این مساله قابل درک شود اما وجود یک "صندوق همبستگی کارگری" که بتواند کارگران اعتصابی را تا حد ممکن از نظر مالی تحت پوشش قرار دهد می تواند جلوی این گسست ها را بگیرد و کارگران را به ادامه حرکت تا حصول نتیجه مورد نظر نگاهدارد. چنین صندوقی می بایست توسط خود کارگران در داخل کشور ایجاد شود. کارگران شاغل درصد کوچکی مثلاً یک درصد از درآمد ماهانه خود را به دلخواه برای حمایت از هم طبقه ای های خود اختصاص دهند و مسلم ایرانیان خارج از کشور هم می توانند کمک های مالی خود را به آن ها برسانند.

اعتراض در دی ماه تکرار و با اعتراضات عمومی سال ۹۶ همزمان شد اما نتوانست جایگاهی مناسب در اعتراضات عمومی پیدا کند. رژیم نه به بیانیه سندیکا و نه به اعتراض کارگران به جز سرکوب بیش تر پاسخ نداد. مهم ترین عامل بی توجهی رژیم در خود ماندن کارگران معترض بود. اعتراضات کارگری اگر با سایر مراکز کار و سایر کارگرانی که در اعتراض یا اعتصاب هستند در پیوند قرار نگیرد، اگر اعتراض و اعتصاب خود را در جامعه ای مثل ایران با مسایل عمومی جامعه پیوند ندهد، اگر خود را در محل کار خود محبوس کند و از آن فراتر نرود مسلماً نخواهد توانست پشتیبانی سایر کارگران و توده های مردم را جلب کند. در این صورت رژیم به راحتی می تواند آن ها را سرکوب کند یا اصلاً آن ها را ندیده بگیرد. اتفاقی که هر روزه برای کارگران در جمهوری اسلامی رخ می دهد.

۱۳۹۷: در مرداد ماه بخشی از کارگران به عنوان نوعی از اعتراض تصمیم به خودسوزی جمعی گرفتند که بقیه کارگران مانع شدند اما مسئولین که در جریان تصمیم قرار گرفته بودند به جای فرستادن نیروهای آتش نشانی و آمبولانس برای نجات کارگران، نیروهای پلیس را با گاز اشک آور روانه کردند. در آبان ۹۷ بالاخره کارگران جرات فراتر رفتن از خود و پیوند با جامعه را برای حمایت از خود پیدا می کنند. در ۲۴ آبان کارگران با خانواده های خود به راهپیمایی پرداختند، شعار اصلی: دولت، مختلس، پیوندتان مبارک بود. در ۲۵ آبان کارگران با شعار: پشت به دشمن - رو به میهن به نماز جمعه رفتند. روز بعد با تابوت نمادین هفت تپه و شعار مرگ بر ستمگر - درود بر کارگر به راهپیمایی پرداختند، دو مساله ای که با هم همخوانی نداشتند. برداشتن تابوت به عنوان مرگ، مرادف پایان است و با مبارزه کارگران همسوییست، گذشته از بار مذهبی ای که با خود حمل می کند هر دو این مساله رفتن به نماز جمعه و برداشتن تابوت نوعی برگشت به عقب است. جمهوری اسلامی از ترس پیوستن و حمایت مردمی از کارگران به دلیل حضور خانواده های کارگران و نه تابوت و نماز جمعه، بر حضور نیروهای انتظامی و یگان ویژه در مقابل کارگران افزود تا جو ترس و وحشت ایجاد کند. در همین روز کارگران بازنشسته هفت تپه در بیانیه ای از مبارزات کارگران پشتیبانی کردند که می توانست به عنوان آغازی از حمایت های کارگری به حساب آید اما متأسفانه توسط

کارگران بخش های دیگر دنبال نشد و یک فرصت بسیار خوب در همبستگی کارگری از بین رفت. در این ماه کارگران خواهان برگشت شرکت به مالکیت دولتی شدند و دلیلش را یکی از نمایندگان کارگری از بین رفتن انسجام مدیریتی و مبهم بودن واگذاری خواند و دیگری صحبت از این کرد که خصوصی سازی بد نیست اما خوب انجام نگرفته است. با وجود این رژیم حتی طاقت شنیدن این انتقادات ساده را هم نداشت و در چهاردهمین روز اعتصاب اسماعیل بخشی به همراه سپیده قلیان یکی از دانشجویانی که از مبارزات کارگران هفته تپه حمایت کرده بود و مسلم آزمند دستگیر شدند. یکی از دلایل دستگیری بخشی مطرح کردن شوراهای کارگری به جای سندیکا بود. اگرچه نوع مطرح کردن و انتظاری که او در صحبت هایش از شورا مطرح کرد با شوراهای ضد سرمایه داری بسیار فاصله و تفاوت داشت اما رژیم تاب تحمل آن را نداشت به نحوی که یک روز بعد یعنی در ۲۸ آبان ماه تعداد کارگران دستگیر شده توسط نیروهای امنیتی و انتظامی با اتهام "امنیتی" به ۳۹ نفر رسید. آن ها به دادرسی عمومی شوش فرستاده شدند اما حمایت کارگران و تجمع آن ها جلوی دادگاه، دادگاه را به تعطیلی کشاند و ۱۳ نفر از کارگران بازداشتی آزاد شدند. سوم آذر ماه مترادف با ۲۱ امین روز اعتراض بالاخره کارگران ناامید از مسئولین به سوی مردم برگشتند و از جلوی فرمانداری به سمت میدان معلم راهپیمایی کردند که مورد استقبال مردم محل قرار گرفتند. بلافاصله رژیم برای جلوگیری از ادامه این پیوند و گسترش آن، پرداخت یک ماه دستمزد عقب مانده را اعلام کرد. مطالبات کارگران در این روز عبارت بود از: علاوه بر پرداخت دستمزدهای عقب مانده، پرداخت حق سنوات خدمت، پرداخت هزینه بازنشستگی، عقد قرار داد با کارگران روزمزد، طرح طبقه بندی مشاغل کارگرانی که با مشاغل سخت و زیان بار بازنشسته شدند، اما به هیچ کدام توجه نشد. در هشتم آذرماه علی نجاتی در خانه اش توسط مامورین دستگیر شد. دهم آذر کارگران به خاطر برآورده نشدن مطالبات شان با شعار "هیئات من الذله" معروف به جمله ای از امام سوم شیعیان که جایگاهی در مبارزه کارگران ندارد و زندانی هفت تپه آزاد باید گردد، "فولاد هفت تپه، اتحاد اتحاد" که شعار بسیار به جایی بود، زیرا در این زمان کارگران فولاد اهواز به خاطر دستمزدهای عقب مانده در اعتصاب بودند، و می بایست از هر دو طرف دنبال شود، زیرا اتحاد امری عملی است و با بیانیه و تراکت تنها نمایان نمی شود. کارگران به سادگی می توانستند به مکان تجمع آن کارگران بروند و بالعکس. "سوریه را رها کن - فکری به حال ما کن"، در این جا مسلم است که رژیم با آوردن گارد ویژه و نیروی های امنیتی و انتظامی به آن ها فکر کرده بود، "این همه بیعدالتی - هرگز ندیده ملتی"، "ما کارگران آهنیم - ریشه ی ظلمو می کنیم" شعار درست اما مابه ازاء آن قابل رویت نبود، چگونه و با چه ابزاری؟ و "کارگر هفت تپه آزاد باید گردد". در این سال شکنجه ی بخشی و سپیده قلیان و فشارهای بسیار بر آن ها برای مصاحبه اجباری و پذیرش اتهاماتی که مبنایی نداشت، افشاگری آن ها بعد از آزادی و کشیده شدن مساله به



اینترنت بحث های بسیاری در دو طرف هم در جانب حاکمیت و هم فعالین و نیروهای سیاسی داخل و خارج کشور ایجاد کرد. { در خارج کشور مساله حتی به نفی مقاومت کشید که انسان گوشت است و استخوان و تحملش محدود بنابراین اگر مصاحبه به آن پایان می دهد اشکالی ندارد و کسی که آن را باور نمی کند. حتی مقاومت زندانیان سابق به زیر سؤال کشیده شد و در مواردی تقصیر تواب شدن تواب ها هم بر دوش مقاومت کننده ها قرار گرفت که اگر این قدر مقاومت نمی کردند شاید این ها هم تواب نمی شدند! }

راهپیمایی کارگران شرکت فولاد در اهواز و اعتراض بخشی از آن ها به بازداشت اسماعیل بخشی با شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، کارگر هفت تپه آزاد باید گردد، اسماعیل را گرفتید- ما همه بخشی هستیم، هم چنین حمایت کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، معلمان، دانشجویان با شعار: ما فرزندان کارگریم با کارگران می مانیم و جمعی از وکلای در دی ماه ۹۷ سبب هراس مسئولین شد. صادق لاریجانی رئیس قوه ی قضائیه برخی از کارگران را دشمن خواند که با اغتشاش قصد استفاده ابزاری از مطالبات کارگران را دارند و تهدید کرد که با برهم زندگان نظم-نظم سرمایه - بر خورد خواهد شد. وزارت کار هم اعلام کرد که نمی تواند کاری برای بخشی بکند زیرا اتهام وی را امنیتی خواند در حالی که از آغاز در جریان اعتصابات و اعتراضات کارگران بود. بخشی به ۱۴ سال زندان شامل ۷ سال تعزیری به دلیل توهین به رهبری، نشر اکاذیب، فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به مقامات با ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. وی در ۸/۸/۹۸ با ۷۵۰ میلیون تومان وثیقه آزاد شد. وثیقه ای که اگر دست مزد کارگر را در آن سال دو میلیون تومان بگیریم معادل ۳۱۵ ماه، یا بیش از ۲۶ سال دست مزد یک کارگر است. این آزادی محسوب نمی شود بلکه زندانی ساختن زیر بار یک تهدید وحشتناک است.

۱۴۰۰-۱۳۹۸: اعتراض و اعتصاب کم و بیش ادامه داشت. در ۱۵ مهر ۹۸ باز هم توهم عده ای از کارگران را با چشمداشت ملاقات با مسئولین و در جریان مسایل قرار دادن آنها- گویی که اصلا اطلاع نداشتند- روانه تهران کرد تا با کمیسیون قضایی مجلس دیدار کنند که در بین راه خود به تهران بازداشت شدند. در تیرماه ۹۹ بازهم به دلیل عدم پرداخت سه ماهه دستمزدها و تمدید نشدن دفترچه های تامین اجتماعی و درمانی و بلا تکلیفی شغلی، کارگران هفت تپه در دوازدهمین روز اعتصاب در خیابان های شوش اقدام به راه پیمایی کردند و در حال کف زدن شعار می دادند "اگه اختلاس کم بشه- مشکل ما حل می شه"، کارگر هفت تپه- اتحاد اتحاد. در اکت و خیز اعتراضات و اعتصابات دوباره در ۸ آبان ۹۹ چهار نفر از کارگران به نام های بهمنی، مبینی، عباسی منجزی و مسعود حبوری توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. در ۱۳ مرداد ۱۴۰۰ بخشی از کارگران در مقابل فرمانداری به سینه زنی پرداختند. روز بعد در ۲۴ امین روز اعتصاب با شعار مرگ بر فرماندار، مرگ بر استاندار، خوزستان بیچاره -مسئول خوب نداره! و با

دست زدن به جای سینه زنی خواهان تعیین تکلیف خود شدند. و با شعارهای: من خوزستانیم- ثروتمند اما بی پول و گرسنه، خوزستان آب ندارد- هفت تپه جان ندارد- کارگر نان ندارد، نان کار آزادی، سفره هامون خالیه و با مطالبه فوری ابلاغ و اجرای خلع ید. سپس در ۱۷ مهر یعنی دوازدهمین روز اعتصاب و روزهای دیگر با شعارهای: اتحاد اعتصاب، نان کار آزادی- شادی رفاه آبادی، نابود باد استثمار و کار مزدی، نه به شورای اسلامی، ما کارگران هفت تپه بیداریم، از خصوصی سازی بیزاریم، نرمش قهرمانانه قوه قضائیه با مفسدین- قاطعیت در سرکوب کارگران، دزد آزاد- کارگر زندانی، تا آخر ایستاده ایم، عدم اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان، عمومی و استاندارد جنایت است، مردم را فوراً واکسینه کنید!، به سمت استانداری و فرمانداری راه پیمایی کردند. در این آخرین اعتراضات تفاوت های چشمگیری با سایر مواقع دیده می شود. توجه به مساله عمومی چون واکسیناسیون، توجه به تورم و گرانی در زندگی مردم، حمایت از اعتصاب کارگران فولاد، دانشجویان و معلمان و بازنشستگان، طرح مساله استثمار و کار مزدی قدم های به جلوی حرکت است. با وجود این هنوز چندگانگی دیده می شود و مسائلی چون کارگران نیشکری و غیرنیشکری، فصلی و دفع آفات دیده می شود که باید در حقیقت به عنوان بخشی از کل کارگران مطرح شود مثل کارگران بخش تولید، بخش کشت، بخش دفع آفات و بخش خدمات اداری و غیره شرکت نیشکر هفت تپه دیده و گفته شوند. هم چنین اعمالی چون ارتباط دادن خود با مسایل مذهبی چون سینه زنی و هل من ناصر گویی، دعوت از آخوندها برای بازدید، خواهش از خوانین و شیوخ، مرگ بر این و آن گویی به این دلیل که ما در مقابل یک سیستم قرار داریم و باید برای براندازی سیستم آماده شویم، مهره ها ترمیم و تعویض می شوند، ادامه توهم به مراکز و مسئولین، برگشت به عقب است.

بالاخره پس از چند سال اعتراض و اعتصاب با افت و خیز که شیوع بیماری کرونا نیز در خدمت رژیم برای خواباندن حرکت های کارگری قرار گرفت، کمیسیون اصل ۹۰ و تعدادی از نمایندگان مساله را در مجلس مطرح کردند و در مهر ماه ۱۴۰۰ در جلسه ای با حضور محمد مخبر، دادستان کشور، وزرای امور اقتصادی و دارایی، وزیر صنعت و معدن و تجارت، جهاد کشاورزی، تعاون و رفاه اجتماعی، دادگستری، معاون حقوقی رئیس جمهور، استاندار خوزستان و رئیس سازمان خصوصی سازی و مدیران عامل بانک های ذیربط برگزار شد. تازه معلوم شد که یک شرکت چه قدر متولی دارد و این که سال ها این متولیان مساله را ندیده می گرفتند و کارگران را سر می دواندند. بالاخره این جمع شرکت نیشکر هفت تپه را از بخش خصوصی گرفته از طرف سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به عنوان زیر مجموعه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی داده شد. دست مزدهای عقب مانده پرداخت شد. دفترچه های بیمه تمدید شد و اعتراضات کارگری خوابید. و مساله به عنوان موفقیت رئیس جمهور جدید و کفایت و درایت او در بوق و کرنا شد. در جشن پیروزی ای که توسط کارگران در هفت تپه با آتش بازی و پایکوبی برگزار شد،

صحبت های اسماعیل بخشی در این مراسم نشان می دهد که وی نسبت به چند سال قبل، بیش تر با مساله شوراهای کارگری آشنا شده است اما هنوز شوراهایی که مطرح می کند یعنی شوراهای مستقل کارگری و مردمی که می گوید کارشان نظارت بر دولت است و تک گویی را به همه گویی تبدیل می کند و بیانگر نقش همه در مدیریت یک کشور است نه یک نفر، معلوم نمی کند که این شوراها چه نقشی در مبارزه با سیستم حاکم سرمایه داری دارند و چگونه کار خود را پیش می برند. آیا بخشی از نظام برای نظارت بر دولت می شوند و چگونه؟ دولت چیست، چه نقشی بازی می کند و مالکیت دولتی منابع و شرکت ها در کجای مبارزات کارگران قرار دارند؟ پاسخ به این مساله گره کار مبارزه است.

مساله سردرگمی کار شرکت، عدم انجام خواسته های مبارزاتی کارگران، فروکش کردن شور مبارزاتی با خلع ید و نداشتن آلترناتیو در مقابل مالکیت خصوصی و دولتی، دودسته شدن کارگران نشان می دهد که راه درازی هنوز برای پیروزی باقی مانده است. مبارزه در نیمه راه نباید متوقف شود. باید با مبارزات عمومی پیوند یابد. با مبارزات کارگری سایر بخش ها از طریق شوراهای ضد سرمایه داری کارگران در پیوند قرار گیرد.

### مجموعه ی شعارها و متن تراکت هایی که من جمع آوری کرده ام:

شعارهایی که در بسیاری از موارد نامنسجم و حتی متناقض اند و نشان می دهند در حالی که برای حرکتی توافق شده به مسایلی که مطرح خواهند کرد توجه نشده و از قبل روی شان توافقی صورت نگرفته است یا نتوانسته اند بر چند گانگی های نظری بین خود غلبه کنند: ۱۴۰۰: خوزستان آب ندارد- هفت تپه جان ندارد- کارگر نان ندارد؛ هل من ناصر! بترسید از آه مظلوم! من خوزستانیم، ثروتمند اما بی پول و گرسنه؛ ما کارگران هفت تپه بیداریم- از خصوصی سازی ها بیزاریم؛ نرمش قهرمانانه قوه ی قضائیه با مفسدین- قاطعیت در سرکوب کارگران!؛ اتحاد اعتصاب؛ نان کار آزادی- شادی رفاه آبادی؛ نابود باد استثمار و کار مزدی؛ تا آخر ایستاده ایم؛ نه به شورای اسلامی؛ دزد آزاد- کارگر زندانی؛ خوزستان بیچاره- مسئول خوب نداره؛ سینه زنی؛ تعیین تکلیف شرکت- خلع ید- پرداخت حقوق معوقه- بازگشت به کار اخراجی ها- تمدید قرار داد دفع آفات-واکسیناسیون همگانی- عدم اجرای واکسیناسیون فوری رایگان و عمومی- جنایت است- مردم را فوراً واکسینه کنید! دست زدن به جای سینه زنی؛ ما کارگر هفت تپه ایم- گرسنه ایم گرسنه ایم؛ نیشکر هفت تپه تشنه است- به هفت تپه آب برسانید- بی آبی نابودی هفت تپه؛ ما کارگران هفت تپه خانواده هامون نیاز به پول دارن- ما کارگران هفت تپه ایم- گرسنه ایم گرسنه ایم؛ نان کار آزادی- سفره هامون خالیه؛ پرداخت دستمزدهای عقب مانده، پایان دادن به پرونده سازی های دروغین و پایان احضار فعالان کارگری به دادگاه؛ برکناری مدیر عامل و اعضای هیات مدیره؛ شعارهای پراکنده طی سال ها: درود برستمگر- مرگ بر کارگر بدترین شعاری بود که توسط کارگران هفت تپه سر

داده شد متأسفانه بسیاری در خارج کشور آن را طنزی بسیار قوی و شعار طعنه آمیز تحلیل کردند در حالی که کارگر ستیزی جمهوری اسلامی چنان آشکار است که بدون این شعار و طعنه با کشتارها، زندان ها و اعدام ها، آشنای هر خانواده کارگری است و جوگیر و خجالت زده هم نمی شوند و سرخی شرمی از مردم کارگر و زحمتکش هم بر چهره ندارند. حکایت هم چنان باقی است. هنوز سرنوشت شرکت، سرنوشت زندان های بخشی، سرنوشت سپیده قلیان تنها به دلیل حمایت از کارگران برای چشم زخم گرفتن از حامیان احتمالی بعدی، سرنوشت پرونده ها و کار فرزانه زیلابی وکیل کارگران، و پرونده بازنجاتی حتی بعد از بازنشستگی نامعلوم و کماکان باز است.

---

\* امروز کلیپ سخنرانی یکی از نمایندگان کارگران اعتصابی هفت تپه را (اسماعیل بخشی) را نگاه کردم و به دقت به حرف هایش گوش فرادادم. یک تغییر مهم رخ داده بود. دیگر صحبت از اتحادیه نبود. سخنگو از تشکیل شوراهای مستقل کارگری و مردم حرف می زد. به فال نیک گرفتم و به انتظار نشستم بینم چه تصویری این دوست کارگرم از شورا دارد. این شورا چه مسیری را برای طی مبارزات کارگری پیش روی کارگران باز می کند. چگونه عمل می کند و چه اهداف کوتاه و بلند مدتی دارد. این شوراهای کارگران و مردم آیا همان شوراهای کار و زندگی است؟

او می گوید: با تشکیل شوراهای کارگری و مردمی نظارت مستقیم مردم و کارگران بر دولت تأمین شود. معلوم نیست آیا منظورش دولت آقای روحانی است؟ دولت اسلامی است؟ یا چه دولتی؟ و چرا دولت؟ تا با این نظارت اجازه ندهند چنین مردمانی مدیر شوند. اجازه ندهند چنین مردمانی به کارگر بی احترامی کنند. یعنی شوراها دولت را وادار سازند تا مدیران دیگری برای کارخانه ها بفرستند. این جا وظیفه شورا می شود فشار برای نوع دیگری از مدیر، مدیری که توسط دولت انتخاب شود. مگر مدیران دولتی که چند دهه توسط دولت تعیین شده بودند چه گلی سر کارگران کاشته بودند؟ وی معتقد است که "بخش خصوصی ای که الان در هفته تپه است ناتوان است و اگر بماند همین نفس باقی مانده شرکت هم قطع می شود. ما با این آقایان مخالفیم." می پرسم چه بخش خصوصی توان مندی وجود دارد؟ بخش خصوصی بخش خصوصی است، می داند چه می کند. اگر مهم ترین مطالبه ی کارگران برگرداندن و پس گرفتن هفت تپه از بخش خصوصی است، جانشین آن چیست؟ بخش دولتی؟ سرمایه داری دولتی؟ مگر هر دورا تجربه نکرده اید؟ آیا راه سومی وجود ندارد.

اوراهی را نشان می دهد: تشکیل شوراهای مستقل کارگری و مردمی. می گوید با تشکیل شوراها در جامعه تک گویی ها به همه گویی ها تبدیل می شود. گفتگو در کشور جریان پیدا می کند؛ زن و مرد، پیر و جوان، دارا و ندار در مدیریت کشور نقش بازی می کنند. اگر شوراها تشکیل شود دیگر با این صحنه روبرو نیستیم که یک مدیر این جوری به جامعه کارگری توهین کند و الی آخر.

از همه این صحبت‌ها پیداست که او برداشت نادرستی از شوراها در سر دارد. درست است که در شوراها همه حق بیان نظرات خود را دارند اما شوراها برای جریان گفتگو در کشور نیست، شوراهای کار و زندگی برای اداره‌ی کار و زندگی است برای دخالت همگان در امور جامعه است. شوراها می‌خواهند مساله دارا و ندار را حل کنند نه این که گرگ و میش را در کنار هم بنشانند. شوراها می‌خواهند گردش امور به نحوی پیش برود که رفاه برای همگان باشد. شوراها می‌خواهند خود به اداره امور بپردازند نه به دولت در انتخاب مدیر کمک کنند. شوراها نوع دیگری از مدیریت بی مدیر را جایگزین می‌کند. شوراها می‌خواهند استثمار و مناسبات استثمارگری برکنده شود. شوراها می‌خواهند جنگ طبقاتی را با ایجاد هم بستگی و حمایت طبقاتی توده‌های مردم کارگر شدت بخشند و تکلیف مالکیت ابزار تولید را معلوم کنند. شوراها می‌خواهند با ایجاد شبکه ارتباطی سراسری همبستگی و حمایت سراسری برای مبارزات جداگانه ایجاد کنند. مبارزات را به هم وصل کنند تا کارگران پشت هم را داشته باشند. تا قوی شوند تا بتوانند اهداف کوتاه مدت خود را در خدمت اهداف بلند مدت پیش ببرند. شوراها می‌خواهند کارگران دشمنان خود را به طور واقعی بشناسند و از توهم‌رها شوند. شوراها می‌خواهند همه‌ی توده‌ی مردم کارگر را به هم نزدیک کنند تا هریک خود را در دیگری ببیند. شاغل در بیکار، در اخراجی، در حاشیه نشینان، در سالمندان، در زنان خانه دار و بالعکس. ایجاد و تکمیل این همبستگی کار شوراهاست. اما شوراها چرا این همبستگی را ایجاد می‌کنند یا باید ایجاد کنند؟ فقط برای نزدیک کردن آن‌ها به هم، فقط برای هم دردی؟ فقط برای ایجاد یک شبکه‌ی ارتباطی؟ برای چی؟

مسلمان شوراها باید همه این کارها را بکنند اما هدف اصلی و دراز مدت اش مبارزه با سلطه‌ی سرمایه است. اگر ما نان شب نداریم؛ اگر ما توهین و تحقیر می‌شویم؛ اگر ما سرکوب می‌شویم، اگر ما دستمزد در حد خط فقر می‌گیریم همه از مناسبات استثمارگری سرمایه داری است. در این مناسبات ما کارگر هیچ گاه رها نخواهیم شد. هیچ گاه در زندگی ما رفاه را تجربه نخواهیم کرد. هیچ گاه خود برای کار و زندگی ما تصمیم نخواهیم گرفت. ما همیشه کارگر خواهیم ماند و آن‌ها همیشه سرمایه دار. ما همیشه فروشنده‌ی نیروی کار خواهیم بود و مجبور خواهیم بود آن را به هر مقداری که آن‌ها تعیین کنند بفروشیم (حداقل دستمزد یا اندکی بیش تر). آن چه را که آن‌ها می‌خواهند تولید کنیم بدون این که بدانیم برای چه و چه کسانی و چه منظوری تولید می‌کنیم. اصلاً نباید به این مسایل فکر کنیم بلکه فقط باید کار کنیم و به دست مزدی که می‌گیریم قانع باشیم یا خوشحال از افزایش درصد ناچیز سالانه یا دو سال یکبار آن. آری شوراها اگر شوراهای کار و زندگی است باید خصلت ضد سرمایه داری داشته باشد و در جهت الغای کار مزدی پیش برود. از مطالبات فوری شروع کند و گام به گام جلو برود اگر درجا بزند و این خصلت را نداشته باشد شورا نخواهد بود. کلاه گشادی خواهد بود که راه دیدمان را هم خواهد بست.

**وضعیت**

**کارگران و**

**جنبش کارگری**

**چین در نیمه**

**اول سال ۲۰۲۲**

ابراهیم پاینده / آگوست ۲۰۲۲

خلاصه اخبار کارگری ژوئن ۲۰۲۲: تعطیلی رستوران‌ها میلیون‌ها کارگر را بیکار می‌کند. صنعت رستوران، سرویس حمل‌ونقل غذایی آماده چین از سال ۲۰۲۰ راکد بوده است. داده‌های اداره ملی آمار نشان می‌دهد که از ژانویه تا آوریل ۲۰۲۲، سود این حوزه سرمایه در سراسر کشور حدود ۱۳۲۶ میلیارد یوان بوده است که ۵/۱ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است. سود رستوران‌ها، تولیدکنندگان، شرکت‌های توزیع‌کننده غذا در چین در ماه آوریل تقریباً ۲۶۰ میلیارد یوان بود که ۲۲/۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش داشت. در این میان گفته می‌شود قرنطینه‌های محلی بعثت کرونا مستلزم آن بود که بسیاری از رستوران‌ها، غذاخوری‌های داخل محوطه را که عامل اصلی سود است، متوقف کنند. اما چقدر فاکتور گسترش محدود کووید ۱۹ در برخی مناطق علت افت سود این حوزه پیش‌ریز سرمایه بوده است مشخص نیست. شهر جینان در استان شاندونگ در بهار امسال غذاخوری در داخل رستوران را به مدت ۴۱ روز به حالت تعلیق درآورد. شن یانگ در استان لیائونینگ، غذاخوری در داخل رستوران را از ۱۷ مارس ۲۰۲۲ به حالت تعلیق درآورد و از ۲۵ آوریل اجازه کاهش ۵۰ درصدی ظرفیت را داد. پکن از اول ماه مه امسال، غذاخوری در داخل محوطه را به مدت ۳۶ روز به حالت تعلیق درآورد. شانگهای به تازگی اعلام کرده است که پس از ماه‌ها قرنطینه به تدریج اجازه غذاخوری در داخل رستوران را می‌دهد. این در حالی است که سال‌های گذشته وضع از این هم بدتر بوده است. هزینه‌های ثابت اجاره، مواد خام (مواد غذایی) و نیروی کار منجر به تعطیلی ۳۰۰۰۰۰ شرکت پذیرایی در سال ۲۰۲۰ شد که این تعداد در سال ۲۰۲۱ به یک میلیون افزایش یافت. همه شواهد دال بر وضعیت اقتصادی بحرانی



است که در سراسر جهان سرمایه و از مدتی پیش شاهدش هستیم، در این هیاهوی تحلیل ها و علت جویی ها بسیاری بر موج جدید کرونا در چین تکیه می نمایند درست همان گونه که بسیاری در دنیای غربی سرمایه جنگ اکرین را علت بحران سرمایه داری وانمود می کنند و هیچ انستیتو و متفکر سرمایه از علت اصلی یعنی خود پویه سرمایه اندوزی و کاهش نرخ سود سرمایه علیرغم افزایش تولید سرمایه در جهان، حاضر به صحبت نیست!! حال آن که سرمایه داری چین در سال های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ نظیر سایر جهان سرمایه مجبور به توقف تولید، توقف و انسداد شریان های صادراتی گردید اما همین سرمایه داری در سال گذشته بالاترین سال تولید سرمایه، بیشترین و عظیم ترین صادرات و بیشترین مازاد روابط کالایی با جهان خارج را داشت. امسال برای اولین بار تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی از مرز ۱۰ میلیون نفر گذشت. این جوانان با چشم انداز شغلی بدی روبرو هستند. اوایل ماه ژوئن بولتن کارگری چین مقاله ای در مورد افزایش شدید بیکاری جوانان منتشر کرد. با ادامه افزایش تعداد فارغ التحصیلان، آنها با چالش بیکاری و رقابت شدیدتر برای یافتن کار روبرو هستند. گزارش اشتغال تا کنونی سال ۲۰۲۲ در مورد دانشجویان کالج در چین توسط موسسه تحقیقاتی میکوس نشان داد که فارغ التحصیلان نگران یافتن کار هستند. نزدیک به ۲۰ درصد از فارغ التحصیلان سال ۲۰۲۱ تحصیلات عالی را ادامه می دهند و نسبت دانشجویانی که در مقطع کارشناسی مشغول به کار در خدمات ملکی (تقریباً بی ربط به مدارک تحصیلی خود) شده اند در پنج سال گذشته دو برابر شده است. برای کاهش فشار کمبود اشتغال، خدمات ملکی نزدیک به ۱۰۰۰۰ فارغ التحصیل جدید را در سال ۲۰۲۲ جذب خواهد کرد. کمبود و نبود کار برای فارغ التحصیلان جدید شرکت های دولتی را مجبور کرده تعداد بیشتری را جذب کنند. کمیسیون نظارت و اداره دارایی های دولتی چین یک کنفرانس ویدئویی برگزار کرد که در آن خواستار آن شد که تعداد فارغ التحصیلان استخدام شده توسط شرکت های دولتی نسبت به سال گذشته افزایش یابد. شرکت های موبایل، دیجیتال و الکترونیک چین (Telecom China and Mobile China, Sinopec) در حال تعدیل برنامه های استخدام خود هستند و نمایندگان شرکت های مرکزی گفتند که فشار برای جذب فارغ التحصیلان بیشتر وجود دارد. چقدر از این تعدیل استخدام به افزایش بار آوری کار در این حوزه مربوط است مشکل بتوان به داده مطلوبی دست یافت.

کاهش دستمزدها، افزایش شدت کار باعث شده جویندگان کار برای مشاغل یقه سفید رقابت می کنند و از مشاغل ساخت و ساز و تدارکات اجتناب می کنند. موسسه میکوس گزارش می کند که نسبت کارگران زیر ۴۰ سال در صنایع به کمتر از ۳۰ درصد کاهش یافته است و نسبت کارگران زیر ۳۰ سال کمتر از ۱۰ درصد است که نشان دهنده یک فاصله سنی جدی نگران کننده برای دولت مرکزی

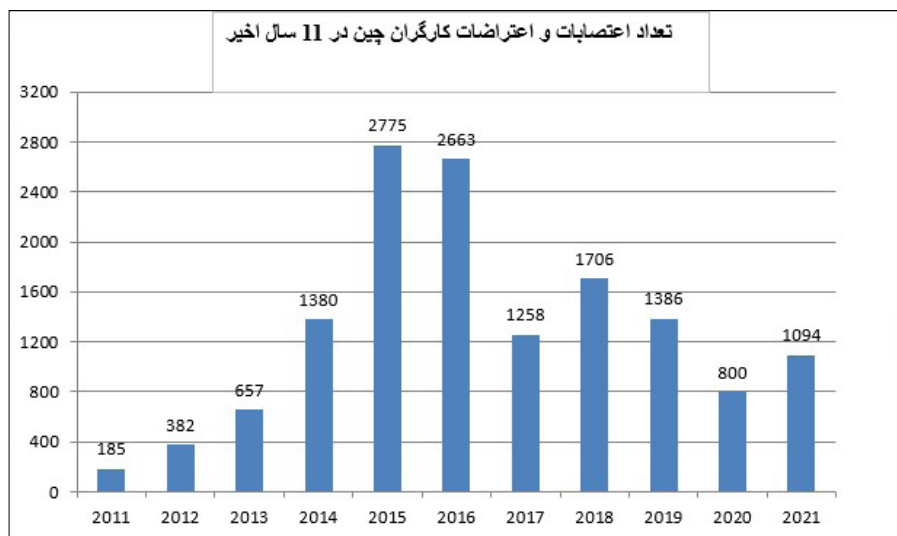
است. مصاحبه با کارگران نشان می‌دهد که جوانان به دلیل شرایط سخت کار، نگرانی در مورد سلامت و ایمنی، بی‌ثباتی پرداخت دستمزد و افزایش دستمزدهای معوقه تمایلی به دنبال کردن مشاغل در این صنایع را ندارند. در مغولستان داخلی (مرکز تولید کالاهای سرمایه‌ای صنایع الکترونیک)، صنعت ساختمان عمدتاً توسط کارگران مهاجر (در داخل چین) مسن‌تر اشغال می‌شود، تنها ۱۵ درصد از کارگرانی که در ساخت و ساز و نوسازی در این ایالت مشغول به کار هستند زیر ۳۰ سال سن دارند، در حالی که ۴۲٫۷ درصد از کارگران بالای ۵۰ سال سن دارند. رانندگی حمل و نقل در سراسر چین عمدتاً توسط متولدین دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ انجام می‌شود. چین هم اکنون ۱۰ میلیون راننده کامیون کمبود دارد. دشواری عملیات حمل و نقل در راه‌های دور، هزینه دریافت گواهینامه رانندگی کامیون و نیمه‌تریلر، دستمزد پایین، تامین وسایل تعمیر تریلی، افزایش قیمت سوخت، شدت کار بالا، کاهش دستمزد به دلیل کاهش نرخ دستمزد و مشکل در تضمین ایمنی شغلی به این معنی است که متولدین دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تمایلی برای رانندگی کامیون‌ها ندارند. طبق برآورد سازمان ملی آمار چین تقریباً ۲۰ میلیون راننده کامیون دارد که حدود ۷۰ درصد ترافیک باری کالای کشور را انجام می‌دهند و موجب ارزش افزایی کلانی به سرمایه اجتماعی چین می‌شوند. رانندگان کامیون در بزرگراه‌ها سرگردان می‌شوند، مجبور می‌شوند در همان کابین بخوابند، غذا بخورند و در کابین خود به حمام بروند. علاوه بر این چالش‌های روزانه که به دلیل اقدامات پیشگیری از بیماری همه‌گیر به وجود آمده است، رانندگان کامیون چین با وام‌های خودرو، افزایش هزینه‌های سوخت، رقابت شدید ایجاد شده توسط پلتفرم‌های آنلاین و سایر مشکلاتی که توسط وضعیت کنونی اقتصاد تشدید شده است، مواجه هستند. تعطیلی در بخش تولید باعث افزایش ساعات کار ارابه شده بیش از حد رانندگان کامیون شده و مشکلات معیشتی آنها را افزایش داده است. شدت بالای کار، سطح دستمزدهای نازل و عدم پرداخت ماه‌ها دستمزدهای معوقه کارگران راننده علت اعتراضات و اعتصابات آن‌ها گردیده بطوری که ۹۰ اعتصاب و اعتراض از مجموع ۴۹۵ اعتراض نیمه اول امسال بوده است. چنان که از ارقام جدول زیر پیداست عدم پرداخت دستمزدهای معوقه علت مهم اعتراضات کارگران چین در سال‌های اخیر بوده است و امسال تاکنون نیز مهمترین علت اعتراضات علیه سرمایه‌داران و دولت‌های محلی و مرکزی بوده است. اعتراضات و اعتصابات کارگری چین نظیر هم‌زنجیران ایرانی خود در نیمه دوم سال افزایش چشمگیری پیدا می‌کند. سال گذشته نیمه دوم سال شامل ۶۰ درصد کل اعتراضات بود. در نوامبر سال پیش، صدها راننده اتوبوس، حمل‌ونقل عمومی در استان هنان مرکز چین در اعتراض به بازپرداخت دستمزدها و مزایای اجتماعی داشتند، تعطیل کردند.



| کل حرکات | نوع عمل کارگران<br>(به درصد از کل) |                            | دلایل و علت های اعتصاب<br>(در صد از اعتراضات) |                     | سال              |
|----------|------------------------------------|----------------------------|---|---------------------|------------------|
|          | تظاهرات                            | اعتصاب و توقف<br>چرخ تولید | سطح پائین<br>دستمزد                           | دستمزد<br>های معوقه |                  |
| ۱۳۵۸     | ۳۱                                 | ۶۹                         | ۱۲  | ۵۲                  | ۲۰۱۴             |
| ۲۷۷۵     | ۳۱                                 | ۶۵                         | ۵   | ۷۵                  | ۲۰۱۵             |
| ۲۶۷۰     | ۳۷                                 | ۵۳                         | ۶٫۸   | ۷۴                  | ۲۰۱۶             |
| ۱۲۵۸     | ۷۰                                 | ۲۷                         | ۲   | ۸۰                  | ۲۰۱۷             |
| ۱۷۰۶     | ۶۰                                 | ۳۲                         | ۵   | ۸۰                  | ۲۰۱۸             |
| ۱۳۸۶     | ۵۸                                 | ۳۵                         | ۳   | ۸۵                  | ۲۰۱۹             |
| ۸۰۰      | ۸۹                                 | ۱۱                         | ۱۰  | ۹۰                  | ۲۰۲۰             |
| ۱۰۹۴     | ۵۴                                 | ۳۹                         | ۷   | ۸۲                  | ۲۰۲۱             |
| ۴۹۵      | ۷۷                                 | ۲۳                         | ۶   | ۹۰                  | نیمه اول<br>۲۰۲۲ |

کارگران به حکم هستی اجتماعی و طبقاتی خود با سرمایه در ستیز و کشمکش بوده اند، اما راه این ستیز زیر فشار جهت گیری های اصلاح جویانه و مسالمت آمیز، در چهار چوب تمکین به این یا آن شکل برنامه ریزی نظم سرمایه و لاجرم قبول بقای سرمایه داری از سنگر واقعی پیکار طبقاتی ضد سرمایه داری خود به طور کامل منفصل گردیده است. طبقه کارگر کشورها و کل توده های کارگر دنیا در همین راستا، زیر شلاق همین جهت گیری ها، بنیادی ترین و حیاتی ترین شاخص مبارزه طبقاتی را که اتکاء به قدرت سازمان یافته ضد سرمایه داری برای جنگ با قدرت سرمایه در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی و سرانجام نابودی این نظام است، از یاد برده اند. جنبش کارگری بطور عموم و جنبش کارگری چین و ایران بخصوص نه فقط ظرفیت سازمان یابی قدرت سراسری ضد کار مزدی خود را به تمام و کمال دارد که هیچ راه چاره دیگری جز این دارا نیست. وضعیت رقت بار و رعب آور موجودش نیز صرفاً محصول گریز از انجام این کار و ایفای این نقش است. کارگران چین بسان هم زنجیران کارگر خود در ایران مدت هاست طوق و زنجیر اتحادیه آفرینی، انجمن سازی را با طرد اتحادیه دولت سرمایه چین از پای خود کنده و از سر بدر کرده اند. کارگران حوزه های مختلف سرمایه اعم از دولتی و خصوصی سرمایه چین خواهان حمایت سایر کارگران می شوند و می خواهند به صف اعتراضات آن ها به پیوندند. اما همین کارگران این کار را از سر سرمایه ستیزی و در جهت تسلط بر سرنوشت کار، تولید زندگی خود و نابودی نظام مزدی نمی نمایند.

کارگران چین و کل طبقه ۹۰۰ میلیونی این کشور نظیر ۶۰ میلیون نفوس انسان کارگر ایران از کل طبقه خود، از حاصل کار و تولید کل توده های طبقه خود، از سرنوشت کار و تولید و زندگی همه آحاد طبقه خویش سخنی بر زبان نمی آریم. در نزد اینان ستون، محور و «روزی رسان» جامعه، سرمایه است! از این آغاز می کنند که سرمایه داری نیروی کار آن ها را خریداری نماید، پیشیزی جهت رفع مایحتاج روزانه به آن بپردازد و همین برایشان کافی است!! اما سرمایه داری با فقر و محرومیت، تخریب محیط زیست، تبعیضات جنسی، قومی و عقیدتی، خفقان و سرکوب همزاد است، رفاه و آزادی نسبی کارگران در برخی کشورها محصول طبیعی این نظام نبوده و با مبارزه علیه سرمایه و افق نابودی سرمایه داری حاصل شده است، در نتیجه دخیل بستن به نهادها، به پارلمان و به قوانین سرمایه برای خلاصی از این فجایع، پوچ و بی حاصل است.



**تبعیض ستیزی**

**دموکراتیک یا**

**خروش**

**ضد سرمایه داری**

**رهائی زن**

////////////////////

مزدک کوهکن / مرداد ۱۴۰۱

با عروج جمهوری اسلامی و فاشیسم دینی بورژوازی به اریکه قدرت، کارزار علیه زن ستیزی و آپارتاید جنسیتی حاکم شروع به بالیدن کرد. این کارزار از همان آغاز، قهرا پرتوها یا مه آلودگی رویکردهای اجتماعی موجود در جامعه را بر تار و پود خود تابان یا ویران دید. برای اپوزیسیون دموکراسی خواه، از راست ماوراء ارتجاعی تا چپ کارگروپوش «کمونیسم» آویز، هر نگاه به حق، حقوق، مبارزه زنان نگاهی در واکاوی راه دموکراسی، تغییر رژیم به شیوه های پارلمانتاریستی و مسالمت جویانه یا میلیتانت و سرنگونی طلبانه خلاصه می گردید. این طیف متشکل از شمار کثیر احزاب، جمعیت ها، گروهها، جنبش ها و سازمان ها، کم یا بیش امکانات داشتند، متفرق اما همصدا حرف های خویش را به گوش همگان می رساندند، هر جنب و جوش آنها در داخل یا خارج، دستگیری هر فعالشان، هر گفتگوی رهبرانیشان در بسیاری از تریبون های صاحب آوازه دنیا انعکاس می یافت. لیست مطالباتشان سینه چاک دموکراتیک آنان را فریاد می زد، از معضل اشغال مجلس اسلامی توسط مردان، قلت وزرای زن در کابینه ها، شمار اندک مدیرکل های زن تا خواست تغییر قوانین مربوط به پوشش اجباری، ارث، قصاص، سنگسار تا حق طلاق، حضانت فرزند، حق مسافرت بدون نیاز به اجازه شوهر برای زنان، بندهای مختلف کیفرخواست ها، مانیفست های آنان را پر می کرد. شاخص هویتی کل اعتراضات و کمپین ها همه جا همان دموکراسی خواهی بود، خیلی ها تحقق این دموکراسی و خواست های دموکراتیک را در گرو سرنگونی رژیم می دیدند، طیف وسیعی نیز بر اصلاح قانون اساسی، قوانین مدنی، حقوقی، کیفری، جزائی اصرار می ورزیدند. کارزار ضدیت با زن ستیزی و تبعیضات جنایت آمیز جنسیتی جاری و مستولی در شیرازه وجود جامعه، برای زنان نفرین



شده کارگر اما، جبهه، سنگر، هزینة، سلاح، راه چاره، راهکار، چشم انداز و فضای دیگر، عزیمتگاهها، آوردگاهها و پیچ و خم های عمیقا متفاوت و متضاد داشت، زنان کارگر از شاغلان کارخانه ها و همه مراکز کار با فشار فرساینده و مرگبار استثمار گرفته تا توده وسیع زن مجبور به چند شیفت کار خانگی تباهی آور، حقارت زای بدون هیچ ریال مزد، تا کل زنان و دختران این طبقه، راه اعتراض و قهر و پیکار خود را نه در دموکراسی خواهی و رژیم ستیزی توخالی نیروهای راست و چپ اپوزیسیون، که در بطن کارزار قهری، خودجوش و گریزناپذیر جاری خود می جستند و دنبال می کردند. این طیف بی شهرت، فاقد امکانات، بدون سخنگو، عاجز از بیان اعتراض، محتاج نان شب، هراسناک عواقب پیکار، مخصوصا از دست دادن کار و بی نانی فرزند بودند. هزاران بار بیش از اولی ها کوه آثار و عواقب تبعیضات هولناک جنسیتی، مردسالاری، آپارتاید جنسیتی بسته بندی فاشیسم اسلامی بورژوازی را تحمل می کردند، با آن ضدیت ریشه ای، اجتماعی، طبقاتی داشتند، علیه شکل های متفاوتش به ستیز بر می خاستند، درد شکستن استخوانها، ناله ها، عصیان ها، طغیان ها، فریادهایشان به گوش هیچ کس نمی رسید. هیچ گوشی حتی در اپوزیسیون دموکراسی جوی ضد تبعیض، رغبتی به شنود صدای مبارزه، خشم و قهر آنان نداشت. اساسا صدای اسوه های شهیر «جنبش مدنی»، شیپور حقوق بشر نیروهای دموکراسی خواه پرآوازه، هیچ منفذی برای عبور فریاد یا فضائی برای پژواک صدای خفته، سلاخی شده، سرکوب گردیده اینان توسط فاشیسم دینی بورژوازی باقی نمی گذاشت.

اولی ها دموکراسی، اصلاحات، تغییر رژیم بعضا تغییر الگوی نظم روز سرمایه داری را می خواستند، از اینجا عزیمت می کردند، در این راستا و به عنوان سنگری از کارزار سراسری استقرار دموکراسی، تضمین حقوق بشر، سرنگونی رژیم، جدائی دین از دولت، دموکراتیزه نمودن و «انسانی» کردن سرمایه داری!! با برچسب «سوسیالیسم»، به سراغ زن ستیزی، تبعیضات جنسیتی یا قوانین جنایت آمیز و بربرمنشانه ضد زن می رفتند، خواستار عروج و طغیان پدیده ای به نام «جنبش زنان» می شدند!!، از هر چه زن بود، از نیمه زن طبقه کارگر می خواستند که بر وجود طبقاتی، اجتماعی خود خط بکشند، استثمار سبعانه تباهی آفرین، جنایتکارانه، ضد انسانی خود توسط طبقه سرمایه دار، از جمله زنان این طبقه را نادیده انگارند، ساقط بودن خویش از هر میزان حق دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی را به دیده اغماض انگارند، کل بلیه ها و سیه روزی های سرمایه آفریده آوار بر سر خویش را موهبت پندارند برای چه؟ برای اینکه همراه زنان سرمایه دار، لشکر دوم ارتش دموکراسی خواهی آنان گردند!! به اعتبار زن بودن، دوش به دوش زنان دموکرات برای دموکراتیزاسیون سرمایه داری، برای متقاعد کردن حاکمان سرمایه به تفصیل دموکراسی بر استبداد، در غیر این صورت سرنگونی جمع گرایان تمامیت خواه، فردگرایان لیبرال و آوردن یک رژیم پای بند دموکراسی، جنگ کنند!! اگر مارکسی، کارگری به واقعیتها نظر اندازیم، این

طیف، از جمله احزاب و سازمانهای چپ آن، به رغم تفاوتهای بسیار فاحش صوری، شاید «اومانستی» و ضدیت قهرآگین با جمهوری اسلامی، به زن و توده وسیع زنان کارگر همان گونه نگاه می کنند که بورژوازی حاکم کلا و رژیم اسلامی نگاه می کند. فاشیسم دینی بورژوازی از آغاز، زن ستیزی و آپارتاید جنسیتی سبعانه قرون وسطائی را ساز و برگ مؤثری برای سرکوب جنبش کارگری و خاموش کردن هرصدای مخالف دید، دموکراسی خواهان نیز موج اعتراض، خشم طبقاتی توده کارگر زن را باروتی برای اشتعال زرادخانه های دموکراسی جوئی و قدرت گیری خود می خواهند. تأکید کنیم که تفاوت ها در ظاهر بسیار سترگند، اما در شالوده به هم می پیوندند و جوش می خورند.

دومی ها، زنان کارگر برای هیاهوهای دموکراسی خواهان و رژیم ستیزان دموکرات، تره ای خرد نمی نمودند. تاریخا، نسل بعد از نسل، در کارنامه حیات طبقه خود، از قانون، تغییر قانون، حقوق، پناه جستن به مراجع حقوقی نه فقط هیچ خیری ندیده بودند که فقط سلاخی شدن، تحقیر، لگدکوب گردیدن را در سلول، سلول حافظه خویش خروشان می یافتند. اینها جنگ با زن ستیزی و آپارتاید جنسیتی بورژوازی از جمله نوع اسلامی آن را در همان کارزار روز طبقاتی خود دنبال کردند، برای این کارزار به قدرت طبقه خویش اتکاء نمودند، در محیط کار، اتوبوس، محله و خیابان حجاب، این ابزار سرکوب و نظم سرمایه را پشت سر انداختند، «نهی از منکر» گشت ارشاد را به تیر ملامت، تحقیر، اعتراض بستند. در ستیز با «قومون علی النساء» بودن مردان!!، سایه همسران زورگوی قیمومت جو را از سر خود کم کردند، «مالکیت شرعی» آنها بر اولاد را لگد کوبیدند، در بیدادگاههای جمهوری اسلامی حکم قاضی سرمایه برای واگذاری فرزند به مرد را پاره، پاره نمودند، جگرگوشه خویش را از دست حاکم شرع جلا د و همسر زورگو خارج و پیروزمندان پیش تاختند. در محیط کار از کارگران مرد شجاع تر و قویدل تر وارد سنگر پیکار گردیدند، در جاهائی که خود فروشنده مستقیم نیروی کار نبودند به یاری همسران کارگر شتافتند، این کار را در تراست غول پیکر ایران خودرو بارها تکرار نمودند و درس همجوشی و همزرمی طبقاتی دادند.

اگر امروز تابوی وحشت و دهشت حجاب شرعی در هم شکسته و زنان با اراده استوار آن را کنار می زنند، این پیروزی نه حاصل استغاثه های شیفتگان جامعه مدنی، نه نتیجه نمایش های ابتذال آمیز «آزادی های یواشکی»!! نه محصول لخت شدن چند زن ایرانی در خیابان های پاریس و مالمو، نه هیچ کدام اینها که نتیجه مستقیم مقاومت های پرشور و مبارزات خودجوش زنان کارگر در اعماق شرائط کار، زندگی، استثمار و کارزار طبقاتی است. این زنان و همسنگران مرد آنها در روزهای اخیر، در مقابله با موج جدید سرکوب رژیم نیز تمایز پیکار خود با دموکراسی خواهان را بسیار زلال و درس آموز نشان دادند. در حالی که طرفداران جامعه مدنی و جنجال دموکراسی خواهی سوای افشاگری های رسانه ای پیرامون زن آزاری و قوانین شرعی زن ستیز جمهوری اسلامی کار دیگری نمی کردند، اینان، زنان مبارز و شجاع کارگر دست

در دست همسران هم‌رمز کارگر، بدون هیچ حجاب در خیابان های تهران و شهرستان ها راه رفتند، مردان در تضاد ژرف غیرقابل تعدیل و معنی دار با شرع سرمایه و به طور مشخص با حکم «حفاظت رجال از حجاب نسوان» حامی مصمم بی حجابی همسر، آماده دفاع از حق بی حجاب بودن زن، هم‌رمز جسور همسر در پیکار علیه تهاجم سبعانه نیروهای قهر و سرکوب رژیم گردیدند. زنان کارگر به این نیز اکتفا ننمودند، دو کمپین متفاوت معنادار دیگر را هم سازماندهی نمودند. در یکی حجاب پوشیدند و در همان حال شعار دفاع از بی حجابان و ضدیت با گشت ارشاد سر دادند. در جای دیگر نیز تظاهرات ضد هر نوع پوشش اجباری برگزار نمودند.

زنان کارگر تا اینجا و تا این سطح مقاومت، مبارزه پیش تاخته اند، آنچه اینک نیاز حیاتی و قهری تداوم پیکار آنان است، سنگرآرائی پرخروش کارگری، طبقاتی، شورائی، سرمایه ستیز برای پایان دادن به وجود کار خانگی، در همین راستا تحمیل مقتدرانه هر لحظه این کار به عنوان اشتغال و کار بر بورژوازی و دولتت، دسترسی کامل و بدون هیچ محدودیت همگان به مهد کودک، مراکز نگهداری اطفال و سالمندان، کودکستان ها و مراکز پیشادبستانی، رایگان و بدون هیچ ریال هزینه بودن این امکانات، خارج سازی کامل خورد و خوراک، پوشاک، سرپناه، وسائل خانه، آب، برق، گاز و سایر مایحتاج زندگی از سیطره مبادلات پولی، کالائی سرمایه داری، استقلال اقتصادی کامل زن از همسر و کودکان از والدین است.

**اعتصاب**

**«داربست بندها»**

**موفقیت ها،**

**درس ها،**

**خیزهای نو**

////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری / مرداد ۱۴۰۱

مبارزات کارگران پیمانی نفت از روز شروع در چند سال پیش تا حال، در تاریکی زار بن بست ها، فروماندگی ها و سرگردانیهای مستولی بر جنبش کارگری ایران، برگي پردرس، امیدزا در کارنامه این جنبش بوده است. ما پیش تر به مناسبت های مختلف و به دفعات در این گذر بحث کرده ایم، همزنجیران ما در این حوزه مدت ها است نوعی کارزار رو به گسترش، غیرمختومه، متحد، دارای بارقه تهاجمی، با تاکتیک تعمیق شناخت موقعیت دشمن و خویش، هجوم از سنگر قدرت، عقب نشینی کم هزینه به گاه ضعف، وفادار به مطالبات آسیب پذیرترین لایه طبقه خود، دفاع متفق از خواسته های مجزا، همسوسازی انتظارات، حمایت از اعتصابات و شورش های سایر همزنجیران را دستور کار کرده و پیش برده اند. شاخصهائی که هر کدام مهمند و در شرائط روز جنبش کارگری گامهائی به جلو هستند. شاید بتوان گفت که در طول این مدت آتش اعتصاب ولو منقطع اما زنجیروار در این قلمرو مشتعل بوده است، بازگشت به کار کارگران در هیچ نقطه ای به معنای ختم اعتصاب نبوده و حالت یک آتش بس اجباری، اضطراری داشته است، هر عده کارگران در هر نقطه مشوق همسنگران نقط دیگر برای شروع مبارزه و آماده حمایت از اعتراض آنان بوده اند. منطقه ای در فاصله میان خوزستان تا بندرعباس میدان کارزارهای پراکنده، ولی همصدا شده است، هر بخش کارگران به محض احساس توانانی اعتصاب را از سر گرفته اند، پیروزی ها را سنگ بنای تدارک برای خیز بعدی پیکار کرده اند، در صورت یقین به ضعف خود و قدرت تعرض دشمن، دست به عقب نشینی زده اند، اما دست به کار تمديد قوا برای تداوم پیکار شده اند. همه اینها ارزنده و درس آموزند. کارزار اخیر همزمان «داربست بند» در هفته های اول و دوم تیر نیز به



سهم خود، درس های چشمگیری برای تمامی کارگران ایران و دنیا داشته است. این درسها به اختصار عبارتند از:

۱- اعتصاب به طور همزمان در ۱۱ پتروشیمی و بیش از ۲۰ شرکت پیمانکاری، با حضور فعال ۳۰۰۰ کارگر «داربست بند» آغاز گردید. نقل این خبر ساده است اما رخداد، مهم و شوراآفرین است. در جهنم سرمایه داری ایران که هر جنب و جوش اعتراضی هر کارگر می تواند سال ها زندان، شکنجه و مجازات در پی آرد، ۳۰۰۰ کارگر، همصدا، همسنگر، همرمز در ۳۰ واحد حساس صنعتی بدون احساس هیچ نیاز به داشتن هیچ «حق اعتصاب» عاریه بورژوازی، متحد و هم پیمان دست از کار می کشند، مطالبات خود را در مقابل سرمایه داران و دولت درنده سرمایه قرار می دهند و خواستار تحقق فوری آنها می گردند. محصور بودن مبارزات کارگران در چاردیواری تنگ مراکز کار و عدم پیوند شورائی و سرمایه ستیز توده های کارگر یکی از بدترین و فاجعه بارترین پاشنه آشیل های روز جنبش کارگری ایران است. اقدام کارگران پیمانی نفت در طول این سالها تازیه ای بر این پاشنه آشیل بوده و اعتصاب اخیر «داربست بندان» درس پردرخششی برای همه کارگران خواهد بود.

۲- اعتصاب در شرائطی به وقوع پیوست که سندیکالیستهای مزدور رژیم، به طور مشخص مافیای موسوم به «کمپین» و باند «گیلانی»، هیچ شانسی برای بدیل آفرینی فریبکارانه ضد کارگری در مقابل خیزش اعتصابی کارگران نداشتند، این جماعت از وحشت آنکه پیش کشیدن هر بدیل دروغین توطئه آمیز، مثلا جنجال فرمایشی حول یک خواست محقر، منجر به طغیان کارگران در شرائط گرانی ها، برای افزایش مزد شود، مجبور به سکوت بودند. توجه دقیق همزمان «داربست بند» به این وضعیت و بهره گیری سنجیده از پاشنه آشیل سندیکالیستهای مزدور برای تعیین وقت اعتصاب یکی از نکات مهم و قابل تحسین برنامه ریزی آنان بود.

۳- پافشاری کارگران بر تحقق خواسته های خود در مورد همه کارگران در حال اعتصاب، در همه مراکز کار و ادامه پیکار تا حصول سطح قابل توجهی از این خواست ها نیز نکته شایان اهمیت دیگر این رخداد است.

۴- کارگران تصریح نموده و تأکید کرده اند که مبارزه ادامه دارد. حصول خواستها مطلقا متضمن پایان کارزار نیست، اعلام داشته اند که «همچنان خواستار افزایش مزدهایمان هستیم. خواهان تسهیلات لازم معیشتی و رعایت کامل ایمنی محیط کارمان هستیم. خواستار غذای با کیفیت و خوابگاههای قابل زندگی هستیم. خواستار استفاده از امکانات درمانی رایگان در نفت و ارتقای خدمات درمانی



هستیم، خواستار کوتاه شدن دست پیمانکاران و دانمی شدن قراردادهای هستیم، اینها خواست های همه کارگران نفت است»

تأکید و پافشاری مؤکد کارگران پیمانی نفت بر غیرمختمومه بودن اعتصاب و ادامه پیکار نکته ای بسیار اساسی و درسی آموزنده و مهم برای کل توده های کارگر است. یک سنت منحنی، ارتجاعی و ضد کارگری که سرمایه بر شعور کارگران مسلط ساخته و جنبش کارگری را به گنداب استیصال رانده این است که کارگران با عزیمت از همیشه کارگر ماندن خود باور نموده اند که فقط وقتی تیغ تیز مرگ ناشی از گرسنگی بر گلوی آنان و فرزندانشان فشار آرد، دست به اعتراض زنند و خواهان چند تومان مزد افزون تر برای ادامه حیات و استمرار بردگی مزدی گردند!! خیز کارگران پیمانی نفت و پیام اعتصاب اخیر «داربست بندان» ولو نهفته، ضمنی، فاقد رادیکالیسم کافی آگاهانه و پرورده ضد کار مزدی، به هر حال حامل این پیام است که خود را همیشه، در همه حال در سنگر کارزار علیه سرمایه، سرمایه داران و دولت سرمایه داری می بینند، هر پیروزی را پله ای برای عروج به پیروزی های بعدی تلقی می کنند، جنگ با سرمایه داری و استثمار سرمایه را تعطیل ناپذیر می بینند. پیامی که مهم، شایسته تقدیر و قابل آموختن است.

۵ - و آخر اما نه کمتر از نکات بالا، اعلام حمایت این همزنجیران از اعتصاب کارگران رسمی و دائمی نفت است، آنان همراه با حمایت خویش درس بسیار مهمی هم به این بخش از طبقه خود داده اند. این درس که آنان نیز یاد بگیرند به حمایت از مبارزات سایر همزنجیران برخیزند.

اینها نقاط قوت و درسهای آموختنی اعتصاب اخیر «داربست بندها» است. ما ضمن ارجگذاری به مبارزات آنان و تأکید بر اهمیت این درس ها در آرزوی همپیوندی و همجوشی بیشتر همه کارگران پیمانی نفت با کل جنبش کارگری ایران، جهتگیری هر چه رادیکال تر، سرمایه ستیزتر و شورائی تر کارزار آنان هستیم.

زمانی لنین گفته بود اگر ثروت های جهان عادلانه و به تساوی تقسیم شود آنقدر طلا باقی می ماند که حتی سنگ توالت ها نیز از طلا ساخته می شود. فکر می کردم چطور چنین چیزی ممکن است. دیشب با خواندن متن کوتاهی که گزارشی خلاصه شده از صندوق بین المللی پول (IMF) بود و با محاسبات ساده ریاضی متوجه شدم ادعای لنین دور از واقعیت نیست. صندوق بین المللی پول اعلام

کرده بود که ایران با داشتن محصول ناخالص داخلی ای (GDP) معادل ۱/۷ تریلیون دلار رتبه چهاردهم در تولید محصول ناخالص داخلی را دارد. عدد مزبور را در قیمت دلار معادل ۳۰۰۰۰ تومان ضرب کردم و رقم به دست آمده را بر تعداد تقریبی جمعیت ایران یعنی ۸۴ میلیون نفر تقسیم نمودم. به صورت سراسر است به هر ایرانی در یک سال ۶۰۷ میلیون تومان تعلق می گرفت. من با درک واریز صدقه ای سهم به قضیه نگاه نمی کنم. با این دید به قضیه نگاه می کنم که هر ایرانی با این مبلغ می تواند از تحصیلات رایگان از مقطع ابتدایی تا بالاترین مدارج تحصیلی برخوردار گردد. با این مبلغ هر ایرانی می تواند از خدمات پزشکی و بهداشتی رایگان در بهترین شکل و امکانات استفاده کند. با این مبلغ می توان تمامی اتوبوس ها و وسایل نقلیه ی دود زار را از دور خارج و وسایل نقلیه با سیستم سالم زیست محیطی مستقر ساخت. با این مبلغ هر ایرانی می تواند از تغذیه رایگان با رژیم غذایی کامل و مغذی برخوردار شود. با این مبلغ تمامی روستاها از خانه ی بهداشت با همه ی امکانات و کتابخانه و سیستم کشاورزی پیشرفت برخوردار می گردند. با این مبلغ می توان کل جاده های بد ساخته شده و خطرناک را اصلاح و بازسازی کرد. با این مبلغ می توان میراث فرهنگی و تاریخی را به بهترین شکل ممکن اصلاح و نگهداری و صدها موزه ی مجهز در شهرهای کشور ساخت.

اما این مبلغ چه می شود که حتی مقدار کمی از آن به دست ما نمی رسد. تقسیم ناعادلانه ی ثروت و سرازیر شدن حجم انبوهی از این ثروت عظیم در دست اقلیتی کوچک از صاحبان سرمایه و مدیران تراز بالا باعث می شود تا جامعه و بخش وسیعی از مردمان آن از

همه ی این مواهب محروم بمانند. بخشی از این سود به تولید برگشته و نقش انباشت سرمایه را بازی می کند اما بقیه آن صرف نگهداری سیستم نظامی و امنیتی و نگهداری از دستگاه دولتی و رفاه مطلق و کامل حافظان این مناسبات می گردد.

بله به راستی اگر تقسیم عادلانه صورت گیرد سنگ توالی ها نه از طلا که با سنگ الماس ساخته خواهد شد.

### نقدی رفیقانه به نامه / کارگران ضد سرمایه داری

ضمن ارجمندی به نوشته این رفیق، اینکه سعی داشته تا در نقش یک کارگر ضد سرمایه داری ایفای نقش کند، لازم می بینیم که نقدی رفیقانه به چند نکته مورد اشاره ایشان داشته باشیم.

رفیق ما با استناد به مبلغ کلان تولید ناخالص داخلی و مقایسه آن با فقر و فلاکت موجود به این نتیجه رسیده است که "تقسیم ناعادلانه ی ثروت" موجب این فجایع است. همینجا بگوییم که محصول کار اجتماعی طبقه ما کارگران بسیار بیش از رقم مورد ادعای صندوق بین المللی پول است. بخش عظیمی از میزان ثروت و سرمایه بیت رهبری، بنیاد مستضعفان، آستان قدس، قرارگاه خاتم الانبیا و غیره در هیچ آماري درز پیدا نمی کند.

به موضوع مورد نقد خود پردازیم. در نظام کارمزدی این تنها کارزنده طبقه کارگر است که موجب پیدایش ارزش می گردد. بخش ناچیزی از این ارزش جدید تحت عنوان مزد به کارگران پرداخت می شود و بخش عظیم مابقی ارزش اضافی است که بین اقشار مختلف سرمایه تقسیم می گردد. اینکه چرا سطح رفاه کارگران در چند کشور جهان، بالاتر از معیشت کارگران اکثریت سایر کشورهاست موضوع بحث ما نیست اما میزان رزمندگی سرمایه ستیز طبقه کارگر بخصوص در قرن نوزدهم این کشورها عامل بسیار مؤثر آن بوده است.

در شیوه تولید سرمایه داری یا رابطه کارمزدی، رشد و گسترش دلخواه سودآوری سرمایه همواره در گرو تنزل هر چه بیشتر معیشت کارگران است. لذا آنچه در مدار توزیع محقق می شود متأثر و مولود حلقه تولید است. نظام سرمایه داری همچنین عرصه جدال و رقابت و حشیانه اقشار طبقه سرمایه دار برای بهره مندی هر چه بیشتر از ارزش اضافی تولید شده توسط کارگران نیز می باشد. این رقابت، شکل اپوزیسیون پردازی به خود می گیرد. این اپوزیسیون بر روی مدار تولید یا حلقه

تولید سود پرده می اندازد، اینجا خط قرمز طبقاتی اپوزیسیون است. اینها علت العلل مصایب کارگران را به بخش توزیع حواله می دهند و با تمام قوا منکر استثمار کارگران می گردند. در همین رابطه بخش مسلط در حکومت را به باد انتقاد می گیرند و همه چیز را به غلط اندیشی، سوء مدیریت و نا کار آمدی حکومتگران نسبت می دهند. یکی از مباحث همه جا حاضر اپوزیسیون اینست که: "این کشور با این همه امکانات و ذخایر زیرزمینی با این حجم ثروت، چرا باید اینچنین روزگار بگذراند؟! علت همه اینها به "تقسیم ناعادلانه ی ثروت" بر می گردد!! این اپوزیسیون آنجا که لباس "براندازی" و حتا "ضدیت با سرمایه داری" بر تن می کند چیزی فراتر از این نمی گوید. رفیق نویسنده به درستی و با استناد به ثروت تولید شده خواستار رایگان شدن آموزش، خورد و خوراک و بهداشت است. اما بدون ارجاع تمام مصیبتها به کارمزدی، تقصیر را به گردن حکومتها انداختن، بدون اینکه دستور روز کار مبارزه کارگران را مبارزه مستقیم و سراسر با کار مزدی بدانند، بدون هیچ ذکری از نقش آفرینی شوراهای ضد سرمایه داری، هیچ مرز شفافیتی با اپوزیسیون بخصوص با اپوزیسیون لنینیستی رسم نمی کند.

رفیق مادر شروع مقاله اش به نقل قولی از لنین پرداخته است. لنین نیز اسیر این رویکرد طبقاتی بود که گویا مشکل زندگی توده های کارگر نه کارمزدی، نه رابطه خرید و فروش نیروی کار، نه ساقط بودن کارگران از نقش نافذ آگاه شورایی در تعیین سرنوشت کار تولید و زندگی، بلکه توزیع ناعادلانه ثروت است. لنین قادر به درک رابطه میان توزیع ناعادلانه و سرشت شیوه تولید سرمایه داری نشد، به سرمایه داری مبتنی بر توزیع برابر نظر داشت، نامش را سوسیالیسم گذاشت، قدرت سیاسی پاسدارش را حکومت کارگری خواند و حاصل نسخه پیچی هایش به اردوگاه شوروی سابق انجامید.

**اعتصابات و**

**اعتراضات دو**

**هفته اخیر**

**کارگران**

دوشنبه ۲۰ تیر اینترن‌های علوم پزشکی کاشان در اعتراض به تعویق حق الزحمه، سطح پایین دستمزد و وضعیت نابسامان معیشتی اعتصاب کرده و در محوطه بیمارستان بهشتی این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز دوشنبه ۲۰ تیر ماه شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای کرمان، رشت، اصفهان، کرمانشاه و رامهرمز دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شهرداری یاسوج روز دوشنبه ۲۰ تیر ماه در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی خود از طرف مسئولان کارفرما، دست به تجمع زدند.

////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری / مرداد ۱۴۰۱

کارگران شهرداری ایرانشهر روز دوشنبه ۲۰ تیر ماه در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان در مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند.



گروهی از کارگران کارخانه قند ممسنی واقع در شهرستان رستم، روز دوشنبه ۲۰ تیر ماه در اعتراض به عدم پرداخت معوقات خود و عدم پاسخگویی کارفرمای سرمایه دار در خصوص تداوم تعطیلی این کارخانه تجمع کردند.



روز سه شنبه بیست و یکم تیرماه گروهی از کارگران پتروشیمی تبریز در اعتراض به فاصله زیاد بین حقوق رسمی ها و شرکتی ها و مطالبه اجرای همسان سازی حقوق ها اعتصاب کرده و مقابل ورودی این شرکت تجمع کردند.



روز سه شنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۱ بازنشستگان مخابرات شهرهای قزوین، ساری، شیراز، شهرکرد، کرمانشاه، تهران، اراک، رشت، ارومیه، تبریز، جوانرود، یزد،

**کرمانشاه، همدان، شیراز** در اعتراض به افزایش قیمت مایحتاج زندگی، افزایش اجاره بها و کاهش سطح دستمزدهای نازل، فقر جانکاه مقابل ادارات و ارگان‌های سرمایه دست به تجمع زدند. این در حالی است که دیروز بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای کرمان، رشت، اصفهان، کرمانشاه و رامهرمز درست به همین دلایل دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱ **بازنشستگان تأمین اجتماعی** در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری‌ها، در شهرهای اهواز، کرمانشاه، شوش، شوشتر، دست به تجمع زدند.

شماری از **کارکنان طرحی در بیمارستان‌های شهرهای کاشان، تبریز، کرمانشاه، دانشگاه علوم پزشکی بهشتی تهران**، روز چهارشنبه ۲۲ تیرماه، در اعتراض به تعدیل و اخراج خود بعد از فروکش کردن نسبی کرونا، سطح نازل دستمزد وزارت بهداشت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در ادامه تداوم سرنوشت نامعلوم ۱۳۰۰ **کارگر معدن کرومیت آسمنیون**، شماری از این کارگران روز شنبه ۲۵ تیرماه با خواست بازگشت به کار همکاران خود دست به تجمع زدند.

صبح روز شنبه ۲۵ تیرماه جمعی از **اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق خوزستان** با برپایی تجمع در محل کار خود خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند.

**بازنشستگان تأمین اجتماعی** در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مستمری‌ها، افزایش قیمت مایحتاج مورد نیاز کارگران در شهرهای اهواز، کرج، اصفهان، بابل، اراک، زنجان، ایلام، کرمان، خرمشهر، تبریز، کرمانشاه، مشهد، شوش، رشت، شوشتر، خرم‌آباد، سیرجان، قزوین، دزفول، اردبیل، تهران، همدان، بیرجند، به تجمع‌های خود ادامه دادند.

یکشنبه ۲۶ تیرماه دومین روز اعتصاب و تجمع **اینترن‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی** در اعتراض به تعدیل و اخراج خود بعد از فروکش کردن نسبی کرونا، سطح نازل دستمزد وزارت بهداشت تجمع اعتراضی برگزار کردند.

یکشنبه ۲۶ تیرماه تجمع اعتراضی **بازنشستگان تأمین اجتماعی** شهرهای شوش، کرمانشاه، اراک، دزفول به سطح نازل مستمری‌ها و افزایش قیمت مایحتاج تجمع کردند.

روز یکشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۱ **کارکنان مخابرات** شهرهای اهواز، یزد، بجنورد در اعتراض به عدم استخدام، همچنین عدم پرداخت مطالبات و چهار دوره پاداش بهره‌وری برای دومین روز متوالی دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی **بازنشستگان تامین اجتماعی** چهارشنبه ۲۹ تیرماه ۱۴۰۱ در شهرهای اهواز، شوشتر، بهبهان، شوش.

تجمع اعتراضی روز پنجشنبه ۳۰ تیرماه **کارگران فولاد اهواز** در رابطه با خواست‌های باز شدن کارتهای تردد همکاران، راه اندازی خطوط تولید، پرداخت حق بدی آب و هوا، شماری از رانندگان ناوگان حمل و نقل کارکنان شرکت فولاد خوزستان، طی روزهای اخیر با توقف فعالیت‌های خدمات‌رسانی، دست به اعتصاب زدند.

در پی اعتصاب **کارگران شرکت جهانپارس پتروشیمی بوشهر** کارفرما روز جمعه ۳۱ تیرماه، چندین نفر از کارگران اعتصابی این شرکت را اخراج کرده است. کارگران شرکت جهانپارس پتروشیمی بوشهر در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهایشان از روز سه‌شنبه ۲۸ تیرماه در اعتصاب بسر می‌بردند. شنبه یکم مردادماه اعتصاب و تجمع اعتراضی کارورزان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بهشتی وارد هشتمین روز متوالی شد.

**کارگران راه‌آهن ابنیه فنی هرمزگان** روز شنبه ۱ مرداد ماه در اعتراض به پایین بودن دستمزدها و شرایط معیشتی بسیار بدی که دارند دست به تجمع زدند.

روز شنبه ۱ مرداد ماه، شماری از **کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز** در اعتراض به عدم افزایش دستمزد، عدم فعال شدن برخی از خطوط تولیدی تعطیل شده و سطح نازل دستمزد مقابل دفتر یکی از نمایندگان مجلس و همچنین ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

**اینترن‌های دانشگاه علوم پزشکی اهواز** روز شنبه ۱ مرداد ماه در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی و سطح نازل دستمزدها در برابر سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی اهواز تجمع کردند.

کارکنان مخابرات منطقه یزد و اصفهان در ادامه تجمع‌های اعتراضی خود، صبح روز یکشنبه دوم مرداد دست از کار کشیدند و با تجمع در ساختمان مرکزی مخابرات این استان‌ها خواستار پرداخت مطالبات معوقه و افزایش حقوق خود شدند.

دوشنبه سوم مردادماه اعتراض **کارگران تولی پرس قزوین** به عدم پرداخت بیمه بیکاری و حقوق. کارگران تولی پرس می‌گویند، این شرکت از اسفند سال گذشته پرداخت معوقات دستمزدی کارگران را انجام نداده است.

روز دوشنبه ۳ مرداد ماه **کارگران شهرداری اندیمشک** در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای ۱۲ ماهه و سطح دستمزدهای نازل خود برای چندمین بار دست به تجمع زدند.

روز دوشنبه سوم مرداد ماه ۱۴۰۱ شماری از **کارگران دستورکاری تاسیسات نفت و گاز کارون و نگهبانان چاه های منطقه غیزانیه** در اعتراض به عدم تغییر وضعیت به قراردادی، مقابل مدیریت شرکت مناطق نفت خیز جنوب ( ساختمان چهار طبقه ) تجمع کرده و رسیدگی به خواسته های خود را خواستار شدند. این گروه از کارگران که قراردادشان روزمزدی است یکی از مطالباتشان ثبت قراردادهایشان در سامانه اطلاعات پیمانکاران نیروی انسانی نفت است تا از این طریق شفافیت قرارداد و میزان دستمزد دریافتی بتوانند حقوق خود را مطالبه نمایند.

**کارکنان برق منطقه ای خوزستان و کهگیلویه و بویراحمد** سه شنبه ۴ مردادماه در اعتراض به وضعیت حقوق و مزایای خود دست به تجمع اعتراضی زدند.

**کارگران شرکت مادیران واقع در شهرک صنعتی هشتگرد** نسبت به سطح دستمزد، ساعت کاری بالا و کاهش مزایا و دیگر مشکلاتشان اعتراض کردند. کارگران در اعتراض به پایین بودن دستمزد، ساعات کاری بالا و کم کردن مزایا و همچنین کم شدن ۲ وعده آرزاق دست به تجمع زدند. مدیران سرمایه دار شرکت با کم کردن پایه حقوق و اضافه کردن به سنوات تلاش می کنند، در صورت اضافه شدن دستمزدها، مبلغ کمتری به کارگران داده شود.

چهارشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۱، تجمع و اعتصاب **کارگران فولاد** برای پنجمین روز متوالی مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان برگزار شد.

شماری از **رانندگان تاکسی کیش**، روز پنجشنبه ششم مرداد ماه، همزمان با سفر سعید محمد، مشاور ابراهیم رئیسی و دبیر شورای عالی مناطق آزاد در اعتراض به کاهش دستمزدها همزمان با افزایش سرسام آور هزینه زندگی، افزایش قیمت سوخت، لوازم یدکی و مایحتاج زندگی اعتصاب کردند.

**کارگران ابنیه راه آهن قم و همدان** روز پنج شنبه ۶ مردادماه، در اعتراض به پرداخت نشدن به موقع دستمزد و مزایای خود توسط پیمانکار تجمع اعتراضی برپا کردند.

روزشنبه ۸ مردادماه **کارگران باز یافت منطقه ۵ شهرداری تهران** در اعتراض به ساعات کار طولانی و پرداخت نشدن دستمزدهای اضافه کاری های خود دست از کار کشیده و تجمع کردند.



**کارگران کارخانه مواد شوینده داروگر تهران** در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و معوقات حقوقی شان، صبح امروز (هشتم تیر ماه) در مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند.

شنبه ۸ مردادماه **کارگران بازنشسته** در مقابل سازمان های تامین اجتماعی شهرهای اهواز، شوش، اراک، کرخه، تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند.

تجمع **بازنشستگان تامین اجتماعی** جلوی ادارات تامین اجتماعی شهرهای کرمانشاه، ارومیه، رشت، اهواز، اصفهان، مشهد، تهران، روز ۹ مرداد نیز دست به تجمع زدند.

**کارگران شرکت داروگر در رشت** نیز روز یکشنبه ۹ مرداد ماه در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه دستمزد و حق بیمه خود توسط مدیران شرکت دست به تجمع زدند.

جمعی از **کارگران گروه ملی فولاد اهواز** همزمان با کادر پزشکی بیمارستان کرمی خوزستان روز یکشنبه ۹ مرداد ماه جداگانه در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه دستمزد و سطح نازل دستمزد عدم امنیت شغلی در برابر استانداری خوزستان تجمع کردند.

صبح دوشنبه ۱۰ مرداد جمعی از **کارگران و معلمان بازنشسته در تهران** در اعتراض به تعقیب و پیگرد و آزادی کارگران، اعم از معلمان، بازنشستگان و سایر فعالان کارگری زندانی شدند.

روز سه شنبه ۱۱ مردادماه، **کارگران شهرداری یاسوج** در اعتراض به عدم پرداخت معوقات سه تا ۵ ماهه مزدی زباله‌ها را جلوی شهرداری یاسوج و جلوی اداره تامین اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد تخلیه کردند. کارگران می گویند، جدا از معوقات سه تا ۵ ماهه مزدی، شهرداری جدیداً پرداخت حق بیمه کارگران را نیز قطع کرده است.

روز سه‌شنبه ۱۱ مردادماه ۱۴۰۱ **کارگران شرکت تولی پرس** برای چندمین روز در این ماه در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق شان دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

#شورایی\_و ضد\_سرمایه\_داری\_متشکل\_شویم

#کارگران\_ضد\_سرمایه\_داری

////////////////////

کارگران ضد سرمایه داری

جنبش طبقه ما شامل معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارگران صنعتی و کشاورزی، کارگران پیمانی نفت و... در سراسر جهنم سرمایه داری ایران در جوشش و غلیان است اما متأسفانه این مبارزات بر بستر و ریل گمراهه های تاریخی طبقه ما جریان دارد. استعفای مسئولین و مرگ سران رژیم چاره کار ما نیست. خواسته های انسانی و رادیکال خود را به میان جنبش طبقاتی خود آریم و فریاد زنیم:

۱- فقط شوراهای سراسری همه افراد جامعه است که حق برنامه ریزی

کار و تولید، تعیین اینکه چه تولید شود و چه تولید نشود، به چه میزان

تولید گردد، حاصل کار و تولید چگونه توزیع شود یا کلاً سرنوشت کار و تولید را دارد، اما تا آن موقع، کلیه اطلاعات و آمار روند تولید و توزیع، داده های مربوط به منابع طبیعی، مسائل زیست-محیطی، برنامه ریزی ها، داد و ستدهای داخلی و خارجی، مناسبات دیپلوماتیک باید در اختیار همگان گذاشته شود.

۲- ریشه استثمار و فقر، بیکاری، بیخانمانی، بی بهداشتی، وجود سرمایه داری است. بیکار علیه این مصایب بدون تعرض مستقیم به هستی سرمایه داری پوچ و بی نتیجه است. تنها یک جنبش شورائی سراسری ضد سرمایه داری که کار مزدی را لغو کند می تواند جامعه آزاد انسانی را مستقر گرداند اما تا پیش از آن، محصول کار و تولید اجتماعی دهها هزار تریلیون تومانی ما باید صرف معیشت مرفه همه افراد جامعه اعم از شاغل، بیکار یا بازنشسته گردد. دارو، درمان، آموزش از مهد کودک تا دانشگاه، ایاب و ذهاب، بهترین شکل نگهداری از کودکان، سالمندان، معلولان، آب، برق، گاز، خوراک و پوشاک، مسکن، وسایل خانه، تلفن، اینترنت، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج و رایگان شود.

۳- علت واقعی و بنیادی فرودستی زنان، وجود کار خانگی است که منشأ سودآوری کلان برای سرمایه است. محو کامل کار خانگی باید برنامه ریزی شود و تا قبل از محو کامل آن، هر ساعت کار خانگی، ساعتی از زمان اشتغال محسوب شود و میانگین سهم هر انسان از محصول اجتماعی به آن تعلق گیرد.

۴- مبارزه برای محو دولت و کل ساختار قدرت سرمایه، جزء تعیین کننده ای از روند بیکار طبقاتی ما است اما تا پیش از آن، خواستار قطع دخالت حکومت در حریم زندگی انسان ها (نوع پوشش، اعتقادات...) و کلیه امور مبارزه و سازمانیابی طبقه خود هستیم و با تمامی قوا از این دخالت جلوگیری می نماییم.

۵- رفع کامل آلودگی های زیست-محیطی از طریق لغو اساس تولید برای سود و انباشت سرمایه امکان پذیر است اما تا قبل از محو سرمایه داری، کلیه فعالیت های اقتصادی مخرب طبیعت و مضر سلامتی بشر باید تعطیل گردد.



## درباره ما ...

ما عده ای کارگریم، تا چشم باز کرده ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه داران و سرمایه بوده ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده ایم که کلیه سرمایه ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید می شود و دنیای فقر و فلاکت و سیاه روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می گردد. هر چه بیشتر تولید کرده ایم عمیق تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده ایم. هر چه بر قدرت سرمایه افزوده ایم خود فرسوده تر و حقیرتر شده ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه دار، مدافع سرمایه داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته ای نیستیم. اینگونه تشکلهارا که از بالای سر کارگران ساخته می شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه زنی با سرمایه داران و کسب قدرت دولتی می دانیم. این نوع تشکل سازیها حتما اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپنمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیرکارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای روبکرد ضد سرمایه داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی کنیم تا مبارزات کارگران راهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هم میزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه داری می دانیم. می خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه ستیز در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هر چه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website  
Email  
telegram  
instagram

www.alayhesarmaye.com  
kargarshora19@gmail.com  
@ alayhesarmaye  
@ alayhesarmaye